ای عزیز من امروز جهان وجود مانند شخص علیل است لهذا محتاج طبیب جلیل تا تشخیص مرض کند و علاج سریع نماید و این مرض بداروی سیاسی و درمان آزادی مداوا نگردد و علاج نپذیرد زیرا مرض تعلق باخلاق و وجدان دارد و مستولی بجان و دل انسان علاجی خواهیم که جانرا زنده نماید و وجدان بپرورد و قلوب را حیات تازه بخشد و نوع انسانی را بکمالات رحمانی تربیت نماید یعنی شمس حقیقت بتابد و ابر رحمت ببارد و نسیم جانپرور بوزد بهار روحانی جهان بیاراید و کوه و صحرا از فیض نامتناهی الهی سبز و خرم گردد طرف بستان حیات تازه جوید درختان برگ و شکوفه نماید و میوه تر برآرد صحن چمن گلزار و گلشن گردد و ازهار و ریاحین برویاند و مرغان حدائق گلبانگی از اسرار حقایق زنند و سامعان بوجد و طرب آیند باری حال آن طبیب روحانی بعالم ظهور قدم نهاد و تشخیص مرض آفاق نمود و بتعالیم و وصایا و نصایح علاج سریع کرد و دوای بدیع بیان نمود تا جنگ و جدال برخیزد و صلح و صلاح برانگیزد عداوت و نفاق که مرض شدید آفاق است علاج گردد و خصومت و شقاق از بنیاد بر افتد جنگ بدل بصلح شود جفا نماند وفا رخ بگشاید تعصب دینی و نزاع مذهبی و جدال وطنی و مباینت و مغایرت جنسی نماند کل احزاب حزب واحد گردد و جمیع قبائل و امم از یک چشمه بنوشد و روی زمین وطن مألوف عموم گردد و نوع انسان را مباینت اصول و فروع نماند وحدت عالم انسانی در قطب این جهان خیمه زند عمومیت بشری بتأیید و توفیقات الهی رایت بر تلال و جبال و سهول و قصور و بروج افرازد و باریاح محبت حقیقی موج زند حال آن عزیز مهربان را همتی نمایان باید و نیت خیر بجان و وجدان شاید تا خدمت بوحدت عالم انسانی نماید و خیر خواه عموم بشر گردد و بوصایا و نصایح الهی عمل نماید و بتعالیم جانپرور حضرت بهاءالله قیام فرماید غرب منور کند شرق معطر نماید تا حیات ابدیه جوید و مانند کوکب صبحگاهی بر اعصار و قرون بتابد